



تمدن

کلیدواژه: اسلام، پیشرفت، تمدن.

پرسش: تأثیر اسلام در پیشرفت تمدن بشری چه بوده است؟

پاسخ: تمدن در هر ملتی نشانه تعالی و پیشرفت آن ملت است. سابقه ایجاد تمدن در کشورهای اسلامی بدین معناست که آنان دارای **تولید فکر و اندیشه، ثروت و سرمایه** و نیز قدرت بوده‌اند و اگر غیر از این بود، تمدنی شکل نمی‌گرفت. **تمدن** به معنای پذیرش شهرنشینی، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر است؛ و برای شکل‌گیری یک تمدن عناصر متعددی تأثیرگذار است که عبارت است از: **علم، نظم، امنیت، تعاون و همکاری** و ... که در **دین اسلام** چه در **قرآن** و چه در روایات و **سیره معصومان** - **علیهم‌السلام** - تأکیدهای فراوانی بر عناصر تمدن‌ساز شده است

فهرست مندرجات

- ۱ - تمدن‌سازی
- ۲ - عرصه‌های تولید
- ۳ - ضرورت امنیت
- ۴ - سابقه ایجاد تمدن در کشورهای اسلامی
- ۵ - تمدن
 - ۵.۱ - اول
 - ۵.۲ - دوم
 - ۵.۳ - سوم
- ۶ - عناصر تشکیل‌دهنده تمدن
 - ۶.۱ - علم
 - ۶.۱.۱ - روایتی از امام علی
 - ۶.۲ - نظم
 - ۶.۳ - امنیت
 - ۶.۴ - وحدت، تعاون و همکاری
 - ۷ - عوامل مؤثر دیگر در شکل‌گیری تمدن
 - ۸ - عقل و علم‌ورزی، بنیان ایمان
 - ۹ - انتقال علوم و تمدن از اسلام به غرب
 - ۹.۱ - ۱. ارتباط با مسیحیان و تعامل با آنها
 - ۹.۲ - ۲. ترجمه آثار علمی دانشمندان مسلمان به زبان‌های ملل اروپا
 - ۹.۳ - ۳. تدریس در مراکز علمی اروپائیان
 - ۹.۴ - ۴. ازدواج مسیحیان با مسلمانان
 - ۱۰ - پی‌ریزی پایه‌های اولیه تمدن اسلامی
 - ۱۰.۱ - اول
 - ۱۰.۲ - دوم
 - ۱۰.۳ - سوم
 - ۱۱ - نتیجه بحث
 - ۱۲ - پانویس
 - ۱۳ - منبع

تمدن‌سازی

تمدن‌سازی هر ملتی نشانه تعالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن ملت است و بیانگر رشد، توسعه و پیشرفت در همه عرصه‌های فعالیت آن جامعه می‌باشد. افتخار هر ملتی به وجود تمدن‌های متعدد در دوره تاریخی آن می‌باشد.

عرصه‌های تولید

این اهمیت بدان جهت است که تمدن‌سازی به شکلی منسجم و روشمند ملازم با تولید در سه عرصه است:

۱. تولید در عرصه اقتصاد برای ایجاد ثروت؛
۲. تولید در عرصه فرهنگ به‌منظور تولید اندیشه؛
۳. تولید در عرصه سیاست که به‌طور خاص از آن به‌عنوان تولید قدرت یاد می‌شود.

ضرورت امنیت

نکته حائز اهمیت آن است که نمی‌توان بدون امنیت در هریک از عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تولیدکننده بود؛ لذا وجود حداقلی از امنیت ضروری است.

سابقه ایجاد تمدن در کشورهای اسلامی بدین معناست که آنان دارای تولید فکر و اندیشه، ثروت و سرمایه و نیز قدرت بوده‌اند. در غیر این صورت تمدنی شکل نمی‌پذیرفت. ایجاد تمدن نیز به‌شدت به وجود امنیت وابسته است، امنیتی که مبتنی بر دانشی است که از گزاره‌ها و نظرات امنیتی تشکیل شده است؛ و تا دانش‌های گوناگون دینی، فلسفی و عرفانی و... نباشد، طبیعتاً نظریه‌های امنیتی شکل نگرفته و متعاقب آن سازمان‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی تمدن ساز هم به‌وجود نمی‌آید. با این توضیح می‌پردازیم به تعریف تمدن که اساساً تمدن چیست و چه تعاریفی دارد؟

تمدن

← اول

تمدن یک کلمه عربی است که ریشه آن «مَدَن» بوده و معنای آن پذیرش شهرنشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یک‌دیگر در امور مختلف اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است. [۱]

← دوم

در کتاب دیگری نیز تمدن چنین تعریف شده است: به اخلاق مردم شهرنشین خوی گرفت، از جهل و نادانی به شهری‌گری و انسانیت تغییر یافت. [۲]

← سوم

ویل دورانت یکی از دانشمندان بزرگ فرانسوی، در تعریف تمدن می‌گوید: "تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلافت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرچ‌ومرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنج‌کاو و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم‌گریزهای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد". [۳]

عناصر تشکیل‌دهنده تمدن

برای شکل‌گیری یک تمدن عناصر متعددی تأثیر گذار است.

← علم

علم یکی از اساسی‌ترین رکن و لایه شکل‌گیری تمدن است که در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است، و در قرآن تأکید زیادی بر آن شده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ [۴] آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ در روایات نیز تأکیدات فراوانی بر این موضوع دیده می‌شود.

← روایتی از امام علی

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ای مردم بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را به کار ببندید. آگاه باشید تحصیل علم واجب‌تر است از تحصیل مال. [۵]

← نظم

نظم یعنی آراستگی و قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود، به‌طوری‌که پیوستگی و هماهنگی ایجاد شده، مجموعه‌ای را به‌سوی هدف مشترک سوق می‌دهد. همه پیامبران از آغاز تا خاتم انبیا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - برای ایجاد نظم اجتماعی، قوانین فردی و اجتماعی زیادی را بیان نموده‌اند. قوانینی که وظایف انسان‌ها را در قبال خود، خانواده، جامعه، هم‌نوعان، محیط زندگی و حاکمان بیان کرده است که این مسئله نیز از اهمیت بسزایی در تشکیل تمدن برخوردار است.

← امنیت

به‌معنای آرامش و احساس راحتی است که در سایه حکومت و دولت و قانون و نظم حاصل می‌شود و تا این عنصر حاصل نگردد به‌وجود آمدن تمدن ممکن نخواهد شد. آیات قرآن درباره امنیت اقتصادی و مالی و جانی، نظیر آیات قصاص، سرقت و آیات مربوط به حفظ عرض و آبرو و ناموس مؤمنان، قوانین محکمی هستند که تضمین‌کننده امنیت اجتماعی‌اند.

← وحدت، تعاون و همکاری

این عنصر در پیشرفت تمدن‌ها نقش عظیمی را ایفا کرده است، به‌گونه‌ای که اگر همکاری انسان‌ها را منتفی بدانیم، جوامع از هم گسیخته و به بدویت منتهی خواهند شد. مدنیت و تمدن در سایه اجتماع و جمعیت پای‌بند به قانون محقق می‌شود و تفرقه از عناصر بدویت است. قرآن به صراحت به وحدت و یک‌دلی و اطاعت از حاکمان الهی فرا می‌خواند و در سایه آن مردم را از پراکندگی نهی می‌کند تا به پیشرفت و تعالی برسند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ [۶] و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! [۷]

عوامل مؤثر دیگر در شکل‌گیری تمدن

در کنار عوامل فوق به عوامل دیگری نیز می‌توان اشاره نمود؛ مانند رفاه نسبی و نگرش فرا قومی، اخلاق، صبوری، حلم و ... که در شکل‌گیری تمدن مؤثر می‌باشند. با توجه به عوامل فوق می‌توان گفت بدون این عناصر نمی‌توان تمدنی را انتظار داشت و هر کسی که اندک مطالعه‌ای در دین اسلام داشته باشد، می‌داند که دین اسلام چه در قرآن و چه در روایات و سیره معصومان تأکیدات فراوانی بر عناصر تمدن‌ساز شده است، به‌نحوی‌که هیچ دینی را نمی‌توان یافت که این همه تأکید بر عناصر فوق داشته باشد.

عقل و علم‌ورزی، بنیان ایمان

«با نگاهی گذرا به منابع تفکر اسلامی، یعنی قرآن کریم و حضرت رسول - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و ائمه اطهار - علیهم‌السلام - می‌توان دریافت که خداوند و اولیای او، پیوسته، نه فقط مؤمنان، بلکه کافران و مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان را بر خردمندی و به‌کارگیری عقل دعوت می‌کند، تا بدان‌جا که خداوند نه تنها از مؤمنان خواهان ایمان کورکورانه نیست، بلکه توحید، یعنی بنیان ایمان را حاصل تعقل و علم‌ورزی می‌داند». [۸]

انتقال علوم و تمدن از اسلام به غرب

تمدن فعلی جهان برآیندی از تلاش و کوشش ملل مختلف جهان در طول تاریخ است که در این میان سهم اسلام در به‌وجود آمدن این تمدن جدید بسیار برجسته است؛ زیرا اسلام علاوه بر این‌که خود مولد علم و تکنولوژی بوده، بلکه آن را به غرب نیز انتقال داده است. به‌طورکلی انتقال علوم و تمدن از اسلام به غرب از سه راه انجام گرفت:

← ۱. ارتباط با مسیحیان و تعامل با آنها

تعامل مسلمانان با مسیحیان در اسپانیا، ایتالیا، سسیل و در جنگ‌های صلیبی و آشنا شدن با فرهنگ و تمدن اسلامی در نقاط گوناگون جهان اسلامی و مرزهای آن با دنیای خارج از آن، از راه‌های انتقال علوم و تمدن از اسلام به غرب است.

← ۲. ترجمه آثار علمی دانشمندان مسلمان به زبان‌های ملل اروپا

از دیگر راه‌های انتقال علوم و تمدن به غرب، ترجمه کتب عربی به زبان‌های اروپایی، در جریان رویکردی که از آن به **نهضت** ترجمه از عربی به لاتین تعبیر می‌شود، از سده پنجم تا هفتم هجری می‌باشد.

← ۲. تدریس در مراکز علمی اروپائیان

تدریس و استفاده از کتب عربی در مراکز علمی که دانشمندان **مسلمان** آنها را نوشته یا ترجمه کرده بودند، از دیگر راه‌هاست.

← ۴. ازدواج مسیحیان با مسلمانان

از دیگر راه‌های انتقال، آمیزش مسیحیان با مسلمانان از راه **ازدواج** و روابط اجتماعی، **تقلید** مسیحیان از طرز لباس پوشیدن و آداب و رسوم مسلمانان است. [۹]

پی‌ریزی پایه‌های اولیه تمدن اسلامی

مسلمانان با الهام از عناصر اصیل اسلامی و با بهره‌گیری از میراث تمدن‌های پیش از خود، یونان، **مصر**، روم، ایران، هند، بین‌النهرین، چین و... پایه‌های اولیه تمدن اسلامی را پی‌ریزی کردند و در دوره‌های بعد آن‌چنان در توسعه و تکامل آن جدیت به خرج دادند که نزدیک به هشت قرن **رهبری** فکری ملت‌ها را برعهده گرفتند. در این مدت طولانی مسلمانان به نقش دوگانه‌ای دست زدند.

← اول

از یک‌سو با انتقال آثار ارزشمند تمدن‌های گذشته به جهان اسلام نه‌تنها آنها را از انهدام و فراموشی نجات دادند، بلکه با ترجمه و تصحیح و تکمیل اندیشه‌های آنان بسیاری از علوم گذشته را به **کمال** رساندند.

← دوم

از سوی دیگر توفیق پایه‌گذاری برخی علوم جدید، مثل شیمی آزمایشی، فیزیک جدید، جبر، مثلثات، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و **فلسفه** تاریخ را نیز به‌دست آوردند؛ مثلاً جابر بن حیان و زکریای رازی، علم شیمی را از مفهوم معنایی و قدیمی آن بیرون آورده به آزمایش‌ها کشاندند. ابن هیثم در علم فیزیک شاخه نورشناسی را پایه‌ریزی کرد. خوارزمی با ابداع علم **جبر** نه‌نها نام خود را جاودانه ساخت، بلکه خدمت بزرگی نیز به **جهان** بشریت انجام داد. ابن خلدون شیوه جدیدی در تجزیه و تحلیل موضوعات تاریخی مطرح ساخت و در واقع تاریخ و جامعه‌شناسی را به‌وجود آورد و پس از این بود که فرهنگ و تمدن اسلام موجب شد تا اروپا و سایر مناطق از آن تأثیر یافته و بیدار شوند. [۱۰]

← سوم

علاوه بر موارد فوق، علوم مختلف بسیاری است که توسط مسلمانان توسعه داده شده یا بعضاً خود مبدع آن بودند، که تأثیر بسزایی بر تمدن امروزی غرب داشته است. به خصوص علم طب که از جمله علوم است که مسلمانان در تکوین و اعتلای آن سهم بسزایی داشتند. چشم‌پزشکی، جراحی و روان‌شناسی نیز از جمله شاخه‌های پزشکی است که مسلمانان تأثیر فراوانی در توسعه آن داشتند و آثار دانشمندان پزشک مسلمان تا صدها سال در دانشکده‌های پزشکی اروپا تدریس می‌گردید. آنها از آثار دانشمندانی چون **ابن سینا** برای **تربیت** پزشکان خود سود می‌بردند و به این پزشک مسلمان افتخار می‌کردند. در علوم؛ مانند شیمی و فیزیک نیز تمدن غرب مدیون تمدن اسلام است و هنوز هم **ستارگان** پر فروغی در **آسمان** این علم؛ مانند جابر بن حیان، ابن هیثم، زکریای رازی و ... می‌درخشند.

نتیجه بحث

گفتنی است که بسیاری از چیزهایی که امروزه با عنوان تمدن اسلامی عنوان می‌شود، در حقیقت، تمدن مسلمانان است که برگرفته از آموزه‌های کلی اسلامی است. بنابراین نمی‌توان به تمام این موارد به‌طور کلی به‌عنوان **تمدن** اسلامی جنبه تقدس داد.

پانویس

- ↑ لغت‌نامه‌های دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ عمید، واژه "مدن".
- ↑ فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص ۲۵۸، ذیل واژه مدن.
- ↑ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۳، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- ↑ زمر (۳۹)، آیه ۹.
- ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب اول، ج ۴.
- ↑ **العمران** (۳)، آیه ۱۱۲.
- ↑ مقاله، محرمی، غلام‌حسن، نقش انبیا در پیشرفت تمدن بشری، www.tebyan-zn.ir.
- ↑ ولایتی، علی‌اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲.
- ↑ ولایتی، علی‌اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۲۳۱، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲.
- ↑ مجدی، ذکراالله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۷۳.

منبع

پایگاه اسلام کوئست.

رده‌های این صفحه : **ادیان و مذاهب** | **اسلام**